

بررسی و تحلیل عین الحقیقه از محمد میرزیورالدین پادشاه صاحب

قباد مهرپور^۱، احمدرضا یلمه‌ها*^۲ و مریم محمودی^۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نسخه خطی عین الحقیقه از محمد میرزیورالدین پادشاه صاحب (متوفی ۱۱۵۱)، عارف و شاعر فارسی‌گوی افغانی قرن دوازدهم قمری می‌پردازد. نسخه منحصر به فرد این اثر به شماره «۵۶۱۰» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده در پی پاسخ به این پرسش است که درونمایه و مضمون اصلی و محتوایی کتاب عین الحقیقه چیست؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد، کتاب عین الحقیقه، اثری تعلیمی و عرفانی است که بر پایه اخلاق، عرفان نظری و عملی تألیف شده است. موضوع عین الحقیقه، در بیان مقامات عرفانی، منازل، مسالک، مهالک، شرایط مرید و سالک، احوالات و سخنان عرفا و اولیاء و به طور اخص طریقت اویسیه است؛ این اثر نشان دهنده افکار و اندیشه‌های عرفانی مؤلف است. که به صورت نظم و نثر نگارش شده است و نثر آن مانند اغلب متون عرفانی ساده و به دور از پیچیدگی است. میرزیورالدین از جملات کوتاه و ساده بهره می‌گیرد، زیرا هدف وی در این کتاب تفهیم حقیقت به مریدان و راه رسیدن به آن است. از امتیازات کتاب عرفانی عین الحقیقه، اطلاعات جامع و کامل در باب فرقه اویسیه و نقشبندیّه و مشایخ آنان است که می‌تواند به عنوان کتابی مرجع عرفانی مورد استفاده قرارگیرد.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی، میرزیورالدین، عین الحقیقه، عرفان.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

مقدمه

یکی از گرانقدرترین سرمایه‌های معنوی و میراث فرهنگی و تاریخی هر ملت‌ی آثار ادبی و علمی آنان است، که طی اعصار و قرون متمادی و در قالب نسخه‌های خطی به یادگار مانده است. این گنجینه‌های ارزشمند که کارنامه دانشمندان، ادباء و نوابغ است؛ پس از گذشت سال‌ها از دستی به دستی و از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و به دست آیندگان رسیده است.

از جمله مفاخر و سرمایه‌های ارزشمند معنوی ملت‌ها، آثار ادبی بجا مانده از گذشتگان، در قالب نسخ خطی است. از مهم‌ترین این میراث می‌توان متون عرفانی را نام برد که در میان آثار فرهنگی و ادبی، جایگاه و اهمیت خاصی دارد. ادبیات فارسی از این حیث یکی از غنی‌ترین زبان‌های زنده جهان است که مجموعه‌ای پربار و گرانبها از نسخ عرفانی را از گذشته‌های دور، تاکنون در خزانه متون گرانبهای خود ذخیره کرده است، به طوری که امروزه بسیاری از آن بهره علمی و حظ معنوی می‌برند. اهمیت این گونه آثار از جهت آشنایی با عرفان ایرانی و اسلامی و جایگاه و تأثیر آن بر فرهنگ ادب فارسی، بر کسی پوشیده نیست. نقش مهم این تألیفات و نویسندگان آنها را بر شکل‌گیری و پیشرفت عرفان ایرانی اسلامی نمی‌توان انکار نمود. چنین آثاری در حوزه نظم و نثر قابل واکاوی و بررسی است و آنها را باید از سرمایه‌های نظم و نثر فارسی دانست. عرفان و آموزه‌های عرفانی جایگاه عظیمی در ادبیات فارسی، به ویژه ادبیات کلاسیک به خود اختصاص داده است؛ به طوری که حجم چشم‌گیری از متون ادب فارسی به این موضوع می‌پردازد. در تعریف نقد و تصحیح متون گفته‌اند: «به حاصل آوردن نسخه‌ای از اثری که بر اساس عرضه دادن و مقابله کردن نسخ خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد، به طوری که نسخه مذکور چه از جهت مفهوم و معنی و چه از بابت لفظ و صورت عین و یا نزدیک به نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه داشته است.» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۱) مواریث مکتوب و به تعبیری نسخه‌های خطی، نموده‌ها و نمادهای درخشان و با شکوه مذهب، تمدن و فرهیختگی جوامع و ملت‌ها است. در این بین متون عرفانی را می‌توان یکی از انواع مهم نظم و نثر دانست که در تاریخ زبان و ادب فارسی، سابقه‌ای طولانی دارد. بی‌تردید متون عرفانی یک سبک ارتباطی است که در گستره فرهنگ و ادبیات ملت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. در این نوع متون، علاوه بر جنبه‌های علمی و ادبی اطلاعات

ارزنده‌ای در زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، دینی، فرهنگی و غیره به چشم می‌خورد. نسخه خطی عین‌الحقیقه در زمره کتاب‌های عرفانی قرار دارد. با توجه به اینکه این اثر تاکنون تصحیح نشده است، پژوهش حاضر بر آن است تا برای نخستین بار به معرفی و تحلیل آن پردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ایران و افغانستان از زمان‌های بسیار دور مشترکات فراوان ادبی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی با یکدیگر داشته‌اند. نویسندگان افغان، عرفا و دانشمندانی بوده‌اند که در آیین اشعار شاعران ایرانی تصورات ذهنی خود را منعکس کرده‌اند که موافق مذاق‌هایشان بوده است. از سویی تصحیح و احیای متون علمی و ادبی علاوه بر این که جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن ما را نمایان می‌سازد، موضوعات مختلف ادبی را نیز در دسترس ادب دوستان و دانشجویان می‌گذارد. نسخه کتاب عین‌الحقیقه تک نسخه است و با توجه به محتوای نسخه که یک اثر عرفانی محسوب می‌شود و همچنین بیانگر نثر فارسی زبانان افغان است با ویژگی‌های خاص آن اهمیت و ضرورت تصحیح آن مسلم می‌گردد. پس تلاش برای تصحیح و احیاء آثار مکتوب گذشته، امری ضروری است، زیرا حفظ فرهنگ و ادب هر جامعه در گرو حفظ آثاری است که در پویایی و استحکام فرهنگ آن جامعه، سهم داشته‌اند.

پیشینه تحقیق

میرزیورالدین عارفی ناشناخته است و کتب و آثار چندانی درباره او یافت نشده است. تنها اثر به جای مانده از او، کتاب عین‌الحقیقه است.

محمد ابراهیم خلیل احمد الجامی (۱۳۳۵) در کتاب «یک مرد بزرگ، شرح حال و آثار شیخ سعدالدین عارف کابلی انصاری» که در کابل منتشر شد، در ضمن مباحث خود، به طور مختصر به معرفی میرزیورالدین می‌پردازد. «این عارف بزرگوار (پادشاه صاحب) که از جمله عرفای عهد خود و صاحب کمالات باطنی و تصنیفات عرفانی است من جمله نسخه خطی کتابی موسوم به (عین‌الحقیقه) که از آغاز الی انجام متضمن علم تصوف و معرفت است و دیگر کتابی به نظر اینجانب نرسیده است». (خلیل احمد الجامی، ۱۳۳۵: ۷۰)

لازم به ذکر است که زندگی نامه میرزیورالدین، در دست نوشته منظوم «شاهد غیبی» آمده است. نسخه مذکور شامل ۳۲۵۱ بیت به شماره ۱۶۷۱۱ در کتابخانه گنج بخش پاکستان نگهداری می شود. مؤلف آن «احمد» (۱۳۳۲ هـ.ق) به شرح زندگی و احوال میرمحمدزیورالدین و چگونگی تحول روحی و سیر و سلوک او پرداخته است. به اذعان احمد، کتاب برگرفته از یک کتاب منشور دیگر است که وی هنگام زیارت مرقد زیورالدین در آرامگاه او مشاهده می کند و پس از مطالعه آن و تحت تأثیر مقام عرفانی میرزیورالدین، آن را به نظم در می آورد.

روش تحقیق

با توجه به این که روش تحقیق در حیطه علوم انسانی و به خصوص زیر مجموعه ادبیات بر مبنای مطالعه و کار کتابخانه ای است در این تحقیق نیز جمع آوری مطالب با استفاده از روش فیش برداری انجام شد. همچنین روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش نسخه خطی عین الحقیقه را شامل می شود.

بحث و بررسی یافته ها

الف - میرزیورالدین

حضرت شیخ المشایخ عالم الحق والدین شمس العارفين والعاشقین میرمحمد زیورالدین پسر میرحسین است که نسب وی به شیخ عبدالقادر جیلانی می رسد.

ز اولاد محمد مصطفی بود جگر بند علی مرتضی بود

(احمد، ۱۳۹۸: ۲۱)

از تاریخ تولد و شرح زندگانی میرزیورالدین اطلاع دقیقی در دست نیست و در کتاب عین الحقیقه نیز در این مورد مطلبی ذکر نشده است. مادرش فاطمه نام داشت بعد از وفات پدر بزرگوارش، جد مادریشان، حضرت میرمحمد فاضل علیه الرحمه که در «برکی لوگر» امرار معاش می نمود او را تحت تربیت خود نگه داشت و چون پسری نداشت تمام املاک را به نیره دختری خود میرزیورالدین تملیک نمود. اما میرزیورالدین در کار زمین چندان علاقه ای نداشت، آرزوی تجارت بخاطر آمد، و از والده ماجده خود اجازت حاصل نموده مال بسیار به تجارت

برداشته با دوستان و معتقدان عازم بخارا شدند. در اوّل منزل در استائف اقامت کردند وی در آنجا با حضرت قطب میرسیف‌الدین علیه‌الرحمه دیدار می‌کند. شیخ میرزیورالدین «قدّس سرّه» را نزدیک خود خواسته و سرگوشی فرمودند: ای فرزند دل‌بند ترا آگاه کنم از حقیقت احوال، تو که اسرار غیبی و مکاشفات معارف و حلاوت عجایب سلوک و جذب بر تو حق سبحانه تعالی کرامت می‌فرماید؛ باید که تا وعده رسیدن در حفظ احوال خود قایم باشی هرگاه که آنوقت میمون و مبارک بر تو می‌رسد و چشم ظاهر تو از نظاره کائنات پوشیده گردد، به مشاهده جمال قرب حضرت بی‌چونی دیده‌ت روشن گردد؛ از یاران نیز یاد آری. این شرحی که از زندگی میرزیورالدین آمد یادآور زندگی جلال‌الدین محمد بلخی است و هنگامی که «پنج یا شش سال بیشتر نداشت هنگام عبور از نیشابور بنابر آنچه نویسندگان احوال او ذکر کرده‌اند به همراه پدر به صحبت شیخ فریدالدین عطار رسیده بود عطار درباره مولوی با پدر او چنین گفت: این فرزند را گرامی دار، زود باشد که از نفس گرم آتش درسوختگان عالم زند». (ر.ک. نیکلسون، ۱۳۷۹، ۸ مقدمه) بعد از این واقعه حضرت میرزیورالدین، عازم بخارای شریف شدند و در بخارا در کاروان‌سرای قماش خود را فرود آورده مدتی در آنجا به شغل بیع و شرا مشغول می‌بودند تا مدت دو سال و نیم در داد و ستد بودند. بعد از بخارا به جانب کابل از راه ترکستان مراجعت نمودند؛ قلندرانه مجرد و تنها به شهر اورگنج رسیدند. به نظر می‌رسد بعد از این ماجرا، میرزیورالدین تجارت را رها می‌کند و به خدمت عرفان درمی‌آید. میرزیورالدین در سنه ۱۱۵۱ در خانقاهش واقع در پایمنار کابل و در زمان حمله سپاهیان نادر شاه افشار دارفانی را وداع گفته است. میرزیورالدین از پیروان طریقت اویسیه است که گستره آن در افغانستان، پاکستان، هند و ایران بوده است. این دسته از عارفان را به آن سبب اویسی خوانده‌اند که در سلوک صوفیانه، به اویس قرنی تمسک می‌جویند. «مشایخ اویسی به جذبه و سیاست هستند که در صراف خانه پیر، ظاهر تن مسین خود را در آتشکده عشق‌الله بگداخته‌اند و به مردم ظاهر نساخته‌اند و نپرداخته‌اند». (محمدمنیرعالم، ۱۳۷۶: ۴) عبدالرحمان جامی نشان می‌دهد که «این عنوان از قرن هشتم قمری به بعد، بر صوفی سالکی اطلاق می‌شد که به ظاهر از شیخ حاضر متابعت و پیروی نمی‌کرد». (جامی، ۱۳۷۰: ۲۵۷) براساس آنچه در کتاب عین‌الحقیقه آمده است تحوّل عرفانی میرمحمد زیورالدین تحت تأثیر یک

خواب آغاز شده است و این خواب گویای ذات و طینت پاک اوست. «وگفته‌اند هر که بطهارت بنخسبد جان وی را دستور باشد تا گرد عرش طواف کند و خدای را سجود کند». (قشیری، ۱۳۶۵: ۷۰۲) میرزیورالدین در عالم رؤیا در حالی پیامبر (ص) را درک می‌کند خود پیامبر (ص) بر سر او دستار می‌گذارد و او در عالم رؤیا به منزلت او یسی می‌رسد. اگر چه «عده‌ای بر این باورند که حضرت رسول (ص) او یسیان را بی واسطه غیری، در تحت تربیت قرار می‌دهد». (مدرس چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۲۸) این موضوع تنها مختص میرزیورالدین نبوده است، بلکه «عرفای بسیاری از طریق خواب به طریق عرفان و تصوف هدایت شده‌اند. همچنین طبق روایتی، شیخ رکن‌الدین ابوالفتح بن شیخ صدرالدین زکریا، بر اثر خوابی که می‌بیند، میرحسینی را تحت تعلیم و ارشاد خود قرار می‌دهد تا آنکه به درجات عالیه در عرفان و تصوف نایل می‌شود». (لاهیجی، ۱۳۹۱: ۱۶ مقدمه) از میرزیورالدین خوارق عادت و کرمات بسیاری نقل شده است.

ب- نسخه خطی عین الحقیقه

نسخه منحصراً به فرد این اثر به شماره «۵۶۱۰»، در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت آن روز چهارشنبه نهم شعبان سال ۱۱۴۹ قمری ذکر شده است. این نسخه به خط نستعلیق و با جوهر مشکی و بعضاً قرمز، به دست کاتبی به نام «الودود محمد مسعود» و در سال‌های پایانی عمر میرزیورالدین به صورت منظوم و مثنوی نگارش شده است. متن اصلی آن دارای «۳۶۸» صفحه که با احتساب حواشی و اوراق نانوشته ابتداء و انتهای آن، مجموعاً دارای «۴۰۴» صفحه است. همچنین در آغاز کتاب برای صفحه اول و دوم به ترتیب ۲ لحاظ شده، اما از صفحه سوم برای هر دو صفحه یک شماره منظور شده است. این اثر دارای ۱۱ سطر در هر صفحه است که با خط نستعلیق، کاغذ هندی، جلد تیماج ۱۸۷ گ، ۱۱ سطر (۸ ش ۱۴) (اندازه آن ۲۱×۱۴) کتابت شده و هر صفحه، مشتمل بر ۱۱ سطر است و شمارگان صفحه به استثنای صفحه اول و دوم، به صورت دو صفحه یک شماره ثبت شده است و در صفحات ابتدایی و انتهایی نسخه، دست نوشته‌ها و مهرهای گوناگونی، ظاهراً مربوط به مالکان گذشته آن دیده می‌شود. تمام اوراق این نسخه سالم است و کمتر در آن آسیب دیدگی یا نم خوردگی و محو شدگی دیده می‌شود.

وجه تسمیه کتاب عین الحقیقه

«در عرفان اسلامی حقیقت به دو معنای متافیزیکی و سلوکی به کار رفته است». (نقشبندی خالیدی، ۱۹۹۷: ۱/ ۱۷۷) «در تلقی متافیزیکی یا وجودشناسانه، حقیقت به معنای موجودات، چیزها و اوضاع امور است». (عبّاسی، ۱۳۸۵: ۲۵) «نسبت سالک با حقیقت نیز از نظر صوفیه مراتبی دارد: «علم الحقیقه» معرفت حقیقت است، «عین الحقیقه» وجود آن، و «حق الحقیقه» فنا شدن در حقیقت است». (انصاری، ۱۳۶۲: ۱۹۷) در کتاب عین الحقیقه آمده است: «حضرت شیخ گفتند: ای دوستان، حاصل راه حقیقت آن است که تو در میان راه خدا گم شوی و تو نمایی و او ماند و بس». (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۱۲۳) میرزیورالدین در آغاز کتاب در وجه تسمیه کتاب می آورد: «کتاب را، «عین الحقیقت» نام هست. این چند کلمه در وقتی شده است. در اوّل حال، در بابت رازحقیقت اشارت از حضرت محمّد «رسول الله» - صلی علیه و سلم - شده است که آنچه در وقتی در لب آید، برون ریز که تا حکایت معنی، معلوم شود؛ بر صادقان و زاهدان و سالکان و عارفان و عاشقان طالبان و تا محبوبان. فرق این است که دیگران صد هزار درصد هزار طلب کنند، یکان یکان را کار به سامان رسد، اما محبوبان آنها را از محمّد رسول الله - صلی علیه و سلم - یافته اند و بی پیرو بی مرشد و بی زهد و بی بندگی؛ آنها اویسی اند - که آنها را جوانمردان گویند - که در صفت خویش گم شده اند. آنها را صفت خداوندی نصیب است. آنها را به جزبه، آشکارا کرده اند و در توحید فرو رفته اند و معنی اویسی آنست که راه دیگری را محمّد رسول الله صلی علیه و سلم درخزانه خود نگاه داشته باشند، بردیگری بدهند. (ر.ک میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۱)

نشر کتاب عین الحقیقه

کتاب عین الحقیقه دارای نثر دلنشین، ساده و مرسل است. جملات اغلب کوتاه است. مانند: «حضرت شیخ گفتند: صد خروار علم خوانده باشی؛ اگر یک نکته از لوح عشق نخوانده ای، عاشق نیستی؛ اگر صد خروار عمل حاصل کرده ای، اگر یک ذره وابسته بشری به عملی، که یک ذره عمل در تست، مپندار که نیست؛ اگر صد خروار اخلاص در تست؛ اگر یک مثقال اخلاص با درویشان نیست، ذره ای اخلاص نیست؛ اگر صد خروار تواضع در تست؛ اگر یک مثقال تواضع با درویشان نیست، یک ذره هم نیست؛ اگر صد خروار عجز در تست؛ اگر یک ذره حق یک

مثقال در تو نیست، ذره‌ای در تو نیست». (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۳۸) نثر عرفانی در اغلب موارد ساده است. «نثر مرسل مخصوصاً در کتب علمی و عرفانی رایج است. (شمیسا، ۱۳۸۶، ۱۰۹) همچنین او برای بیان مفاهیم عرفانی از شعر مدد می‌گیرد، زیرا «زبان شعر را در بیان این حالات و مقامات قدرت خاصی است که شاید در شأن نثر و در توان آن شیوه نباشد، زیرا مصطلحات حالات و مقامات در تصوّف بیان حال است، و شعر نزدیک‌ترین وسیله برای این بیان است». (مسگرزاد، ۱۳۶۷: ۱۱۶-۱۱۵) در این اثر به ندرت از متون عربی استفاده شده است.

شیوه بیان

از مهم‌ترین عناصر ساختاری، گزاره کلیشه‌ای شروع متن است. نویسنده کتاب، به پیروی از سنت قصه پردازی در ادبیات فارسی، غالب قصه‌هایی که نقل می‌کند با گزاره «حضرت شیخ گفتند...» شروع می‌کند. به نمونه زیر توجه فرمایید:

«حضرت شیخ گفت: روزی در بازار می‌گذشتم. شوریده‌ای دیدم که می‌گفت: هر دو از دستم رفت. یکی بردستم رسید. گفتم: که دو کدام است که از دستت رفت و یکی کدام است که بر دستت رسید؟ گفت: دل و یار از دستم رفت و حسرت بردستم آمد. ای خوش آن کسی که در دنیا هر سه بر دست اوست یعنی حسرت در پی او و یار، در بر او و دل، بر سر او». (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۲۹)

به نظر می‌رسد میرزیورالدین در شیوه تدوین کتاب عین الحقیقه به تفسیر عرفانی کشف الاسرار (۵۲۰ ه. ق) رشیدالدین میبیدی نظر داشته است و کتاب را عیناً منطبق با شیوه میبیدی تنظیم کرده است. در برخی از بخش‌های متن کشف الاسرار با روای «شیخ ماگفت» آغاز می‌شود.

استشهاد به اشعار

کاربرد اشعار و ابیات شاهد مثال در اغلب متون عرفانی رایج است. میرزیورالدین در بطن کتاب عین الحقیقه برای استشهاد از شعر بهره می‌گیرد. اشعار متن سروده خود میرزیورالدین است.

ای های های های، از آن دم که می‌رویم	ای وای وای وای، ازین تن که می‌بریم
درهای های های، همه هوی هوی هوی	درهوی هوی هوی همه وای می‌بریم

(میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۴۰)

میرزیورالدین قبل از آنکه شاعر باشد، عارف است و شعر را وسیله و بستری برای انتقال مفاهیم عرفانی به کار می برد، باید او را در شمار شاعران متوسط پارسی گوی به شمار آورد، چون او به بیان مفاهیم عرفانی توجه داشته است. اشعار او گاهی از مرز ادب گذشته و الفاظ توهین آمیز چون گاو و خر به کار می برده است. وی در سخن گستری و بسط مقال دارای قدرت و توانایی قابل توجهی بوده است. در لابلای شعرهایش گاه به مواردی برخورد می کنیم که پیرامون یک مطلب جزئی به تفصیل داد سخن داده، اما در عین حال خیلی خود را مقید به رعایت قواعد عروض و قافیه ندانسته است و از عیوب قافیه خالی نیست، زیرا شعر برای او، ابزاری برای بیان معنا و مظلوفی است که معانی معنوی و متعالی مورد نظر خود را در درون آن قرار می دهد.

استشهاد به آیات قرآن کریم

میرزیورالدین همچون سایر عرفا در پی آن است که برای اهداف تربیتی و به منظور تأثیرگذاری بیشتر، قرآن کریم را در فحوای متن عین الحقیقه بگنجانند. مانند نمونه های زیر:

«اما حق سبحانه و تعالی یکی را از خویشتن بی هیچ راند و یکی با گناه پیش خواند».

(میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۱۰۳) عبارت فوق اشاره دارد به «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ». (جمعه/۶۲) این (رسالت و نزول قرآن) فضل و کرامت خداست که به هر که بخواهد می دهد و خدا را فضل و رحمت نامتتهاست. همچنین در بیت زیر با آوردن آیه ۵۳ از سوره زمر امید به رحمت حضرت حق را بیان می کند.

چرا چون شام هر دم، تیرگی داری به خود زیور از آن «لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِ اللَّهِ» خبر دارم
(میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۱۰۶)

درون مایه و مضمون عرفانی

عرفان و تصوف در طول تاریخ خود به هم آمیخته اند، زیرا عرفان در لغت به معنی «شناختن و معرفت حق تعالی» (پادشاه، ۱۳۳۵: مدخل کلمه) و «شناختن و دانستن بعد از نادانی» (صفی پور، ۱۳۷۷: مدخل کلمه) و در اصطلاح، معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می شود. (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۳) و صوفی «و مشهور و معروف در میان عموم مردم، آنست که اسم صوفی

بر کسی اطلاق کنند که مترسّم بود به رسم صوفیان و متلبّس به زّی ایشان ... و سبب اختصاص اهل کمال بدین اسم، آن است که اکثر ایشان از قدمای مشایخ، به جهت تقلّل و تزهد از دنیا و اقتدا به انبیاء لباس صوف پوشیده‌اند». (محمود کاشانی، ۱۳۷۴: ۸)

میرزیورالدین در کتاب عین‌الحقیقه، مشایخ و عرفای اویسیه را برمی‌شمارد. از بزرگان و عرفای معروف که نامشان در عین‌الحقیقه آمده است و همگی آنان اویسی قلمداد شده‌اند، عبارت است از: اویس قرنی، بهالدّین نقشبند، نجم‌الدّین کبری، میرمحمی‌الدّین شیخ عبدالقادر گیلانی، منصور حلاج، عبدالخالق غجدوانی، عطار، احمد جام زنده پیل.

«و شیخ ولی عطار اویسی بود. مملکت منصور حلاج، بدو محمّد «رسول الله» - صلی علیه وسلم - داده بودند. از آن جوانمرد شده بود که عطار وحدت گشت و شیخ نجم‌الدّین کبری بخشی از موسی رضا داده بودند. محمّد «رسول الله» - صلی علیه وسلم - در اینجا دو معنی ست، یکی می‌گویند که بخش حضرت موسی رضا را براحمد جام زنده فیل داده بود، و یکی بر نجم‌الدّین کبری و بخش حضرت غوث الاعظم میرمحمی‌الدّین شیخ عبدالقادر گیلانی را بر میان قاسم سلیمانی داده بودند که جوانمرد شده بود که از روی او، مردم باده وحدت می نوشیدند و مست می شدند...» (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۲)

تعلیم و تربیت عرفانی

تربیت در عرف و سنّت به شیوه پند و اندرز، مسائل اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را سرلوحه اهداف خود قرار می‌دهد. در حالی که تربیت عرفانی به موضوعات فراتر از مسائل عمومی و سطحی اخلاقی می‌پردازد. زیرا سالک از این مراحل گذشته و با عرفان عملی، در مقام رسیدن به قرب حق است. بنابر این اعمال و رفتاری را تعلیم می‌دهد که به تصفیه باطن و تعالی روحی می‌انجامد. تربیت عرفانی عبارت است از «زمینه‌سازی برای تعالی بخشی و شکوفاسازی نیازها و ظرفیتهای معنوی مرتبی در چهارچوب شریعت و آماده‌سازی وی برای پیمودن مراحل سیر و سلوک و شهود حق.» (موسوی‌نسب، ۱۳۹۳: ۲۳) به دو نمونه زیر توجه فرمایید:

«حضرت شیخ گفت: دنیا خزانه‌ای است، همه ازینجا طمع دولت کرده بودند، اما جز از حسرت نبردند که در دنیا، جز از حسرت، مملکتی نیست که کس برَد از او؛ آنها که نخواستند، هم

بردند؛ آنها که خواستند هم بردند، آنها که خروشیدند بیشتر خواستند، آنها که نخروشیدند خواستند. یعنی حسرت از همه». (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۲۸)

«حضرت شیخ گفت: ای دوستان، هستی این دنیاست و نیستی آن دنیا. یعنی از هستی برگذر، نیست شو از دنیا، برگذر بر آخرت رو، اگر امروز نگذری فردا تو را اجل بگذراند؛ که نه سرانجام هستی یابی و نه سرانجام نیستی. اگر شنیده‌ای، آن کن در پی مردان کوش و باده شوریدگان نوش که در دنیا دوچیز بسیار خوشست؛ یکی آنکه از دست شوریدگان باده نوشی و خروشیدن گیری، روی و محاسنت به خاک آلوده گردد؛ و یکی آنکه در پیش پادشاهان اسلام، تیغ بر کافران زنی و محاسنت به خاک و خون آلوده باشد». (همان: ۲۹) اصول تربیت عرفانی، قواعد عام و کلی است که با عنایت به مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی عرفانی به دست می‌آیند و خود روش‌هایی پیش روی مربی عرفانی قرار می‌دهد تا به سالک کمک کند که مراحل، منازل و مقامات سلوک را طی کرده، به سرمنزل مقصود برسد.

استفاده از قصه و حکایت برای تعلیم مضامین عرفانی

قصه‌گویی مورد علاقه و توجه شاعران و نویسندگان عارف بوده و برای آنان جذابیت و کشش خاصی داشته است. به همین دلیل، قصه یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار محسوب می‌شود. حکایات صوفیه به عنوان بخش مهمی از ادبیات عرفانی با اهداف گوناگونی در کتب صوفیه به کار گرفته می‌شوند که عمده‌ترین آن‌ها ترغیب و تعلیم است. عین‌الحقیقه از این جهت در خور بررسی است. به نمونه زیر توجه فرمایید:

«حضرت شیخ گفتند: سگی روزی پیش من ایستاده بود گفتم از پیش من دور شو، گفت: به زبان حال که به کدام عمل مرا از پیش خود می‌رانی؟ کدام عمل تو از من خوب‌تر است و بیشتر درین سؤال در حیرت ماندم، ندانی بر دلم رسید که گفت: بر رحمت دوست، جایی که رحمت اوست، عمل بر زبان کس در میان نمی‌آید، چنان شاد شدم که از شادی تا این دم شادم». (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۴۸)

ویژگی سبکی عین‌الحقیقه

کتاب عین‌الحقیقه تحت تأثیر سبک رایج زمان خویش از سه سطح فکری، ادبی و زبانی قابل بررسی است.

ویژگی فکری

این اثر بازتاب اندیشه های عرفانی و صوفیانه طریقت اویسیه و بیان اصول آن از جمله دم، نظر بر قدم، وقوف، ذکر و... است. حضرت شیخ گفت: اگر عمر عاشقان که خود را صدیقان می گویند، یک نفس می شد، در آن دم، واقف حال می شدیم، الحال عمر است و چندین هزار دم که چندین مقام را طی کنند. (میرزیورالدین، ۱۱۵۱: ۵۹) همچنین؛ حاصل دنیا بر آدم یک دم است آن دم که به یاد اوست، دم باید شمرد از برای آنکه آن دم که آدم «الله» گوید در همه باشد، از برای آنکه حق همه جا هست. (همان: ۸۹)

عمر ما اندر جهان یک دو دم است با دل خود کن زیادش ماجرا
(همان: ۹۴)

ابیات زیر به روشنی بیان می کند که این اثر تحت تأثیر اندیشه وحدت وجود ابن عربی تألیف شده است.

مدان تو قطره از آن بحر لامکان ما را منم چو بحر حقیقت به خویش جا شده ام
در عالم تحقیق همه ما و شمایم در عالم ظاهر چو یکی جلوه نمایم
ماییم همانیم از اول و آخر در اول و آخر همه ماییم که ماییم
(همان: ۱۳۶)

ویژگی های زبانی

کتاب عین الحقیقه همچون آثار متقدمین، برخی از ویژگی های سبکی نثر (مرسل و بینابین) و سبکی نظم، (خراسانی و عراقی) را دارد از جمله:

کاربرد لغات عربی: حضرت شیخ فرمودند: که ای آدم از ذکر زمین شنو که چه می گویند. (همان: ۹۴) حضرت شیخ سلمه الله فرمودند: چهار مقام است، ناسوت و جبروت و ملکوت و لاهوت، این چهار چیز که آب باشد و خاک باشد و باد باشد و آتش باشد، از این، چهار مقام آمده است، سرشت آدم این چهار عناصر است. (همان: ۱۱۹)

کاربرد «می» به جای «ب»:

ای قطره برو بحر حقیقت می جو (همان: ۸۴)	ای دوست شب و روز خدا را می گو
بر تن شب، یکی سحر می بین (همان: ۱۲۶)	هر دم ت گنج پر گهر می بین

ویژگی های ادبی

کتاب عین الحقیقه در پی بیان معانی عرفانی و تفهیم اندیشه های اویسیه است و کمتر به کاربرد آرایه ها و صناعات ادبی توجه داشته است، اما با این وجود، در متن اثر، نمونه هایی از صناعات ادبی به شرح زیر دیده می شود:

- تلمیح:

آری ز مفلسی همه صاحب قران رویم (همان: ۱۱۱)	ما سر بر آستانه رحمت نهاده ایم
منصور وار از سر هرمو، عیان مشو (همان: ۱۰۴)	دریای معنوی شود آواز کم بکن
تا نگین او به دست آمد، سلیمانیم ما (همان: ۱۰۹)	تا که لا شد عالم فانی و باقی حق نمود

- مراعات نظیر:

وه مکن هرگز تمنا یا در یک دانه شو صد زبان داری برو، با زلف آن مه شانه شو (همان: ۱۰۴)	چون صدف غم باران قسمت درد دماغ دل پریشان کن به مانند دو زلف آن صنم
--	---

- کنایه:

بلبلی، بگذر ز باغ و جغد این ویرانه شو (همان: ۱۱۷)	چون گلت دو روزه عمر، شسته در باغ جهان
با تن زمین شدیم و به روح آسمان شدیم (همان: ۱۳۶)	زیور به تن، چو خاک فتادیم در جهان

- واج آرایبی:

نشد زباده وحدت سرم گران، هیهات!
چو لاله با دل خود، داغ داغ از غم خویش
(همان: ۱۲۴)

- متناقض نما (پارادوکس):

گم شدیم اندر هوای خویشتن، یکبارگی
برگشا پرده ز رخ تا جمله، نابینا شویم
(همان: ۱۲۵)

- تضاد:

حبابی تو و بحر لامکان؛ در تو است این می‌دان
ز خود بگذاشتی سود ازل، اندر زیان رفتی
(همان: ۱۲۶)

از نیک و بد جهان برسستیم
ماییم بلند، اگر چه پستیم
(همان: ۱۲۸)

- تشبیه بلیغ:

ما قطره آیم، خدا بحر حقیقت، می‌کوش
از پی بحر حقیقت خطری نیست که نیست
(همان: ۱۳۲)

- استعاره:

چون پرده را ز روی حقیقت گرفت یار
در بوستان عشق چو گل خنده کرده‌ایم
در خنده باد، باغ که ما باغبان شدیم
تا در لباس حسن سر از پا عیان شدیم
(همان: ۱۳۵)

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت که عین الحقیقه اثر محمد میرزیورالدین پادشاه صاحب یکی از آثار ناشناخته و مهم بجا مانده ادبیات عرفانی، تعلیمی و اخلاقی قرن دوازدهم هجری قمری است که مانند بسیاری از آثار کهن دیگر می توان برای شناسایی و معرفی بهتر آن و مؤلف آن اقدامات مهمی در جهت بررسی جامع و کامل این اثر انجام داد؛ زیرا این کتاب از جهات گوناگون زبانی، ادبی و فکری ویژگی های منحصر به فردی دارد که دست یافتن بدانها، نیازمند کنکاشی دقیق در این زمینه است، تا از این رهگذر جنبه ها و زوایای دلنشین و پوشیده آن برای خوانندگان و خوانندگان، بیشتر و بهتر آشکار و جلوه گر شود.

این کتاب شامل «۱۴۰۲» بیت از اشعار گوناگون در قالب قصیده، مثنوی، ترجیع بند، غزل و مسمط مخمس، ... با مضامین و مفاهیم ناب عرفانی و ترکیبات ادبی است و به نظر می رسد که تمام اشعار آن سروده میرزیورالدین است، بنابراین شایسته است به عنوان اشعار نویافته از نگاه ادبی و سبکی مورد توجه ویژه قرارگیرد؛ یکی از ویژگی های این نسخه آن است که در زمان حیات میرزیورالدین و در سال «۱۱۴۹ هجری قمری»، یعنی؛ دو سال قبل از مرگ وی نگارش آن به اتمام رسیده است. این اثر که به قلم کاتبی به نام محمد مسعود نگارش شده است، خالی از اغلاط لفظی و نگارشی و همچنین واژگان بومی و منطقه ای نیست.

کاربرد زبان ساده و گاهی به ندرت عامیانه، استفاده از تمثیل و گاهی داستان کوتاه، ساخت واژگان و ترکیبات نو، به منظور بیان منویات درونی و تفسیر و تشریح عرفانی حقیقت از دیگر ویژگی های این اثر ارزشمند است که با اندکی دقت درمی یابیم که وی اصطلاحات تازه ای در ادبیات عرفانی خلق کرده است. در این نسخه واژگان عرفانی با گستره فراوانی به کار رفته است؛ اما اصطلاحاتی همچون دل، دم، عشق، محبت، می، جان، ذره، حق، مست، ذکر، فقر، و ... به همراه مشتقاتی از آنها با بسامد بیشتری به کار رفته است که این امر می تواند گویای مشرب عرفانی میرزیورالدین و بویژه اوئسیه باشد.

در این اثر میرزیورالدین با بزرگداشت متقدمان خویش چون اوئسی قرنی، شیخ نجم الدین کبری، غوث الاعظم شیخ عبدالقادر گیلانی، شیخ ولی عطار، بهاء الدین نقشبند و ... به تقسیم بندی

سالکان و عارفان می‌پردازد و عالی‌ترین گروه عرفا را جوانمردان می‌داند و آنان را اویسی می‌نامد، و به اعتقاد او اویسیه سالکانی هستند که بدون واسطه و در عالم رویاء و تحت تأثیر مقام روحانی پیامبر (ص) و اولیاءالله تربیت شده و به مقام اویسی می‌رسند. اگر چه میرزیورالدین در کتاب عین‌الحقیقه به بیان موضوعات و مفاهیم مختلف عرفانی و صوفیانه می‌پردازد، اما عصاره فکری و اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه او در این کتاب، در پی بیان حق و حقیقت و ارائه این اندیشه است که وجود حقیقی متعلق به خداوند است و همه موجودات و عوالم، برقی از آن حقیقت است و حقیقت چیزی جدا از ما نیست و بدین وسیله به اندیشه عرفانی ابن عربی در وحدت وجود و مولانا نزدیک می‌شود؛ زیرا کتاب عین‌الحقیقه، سرچشمه حقیقت است که در باب راز حقیقت به نگارش درآمده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب نامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- احمدی، احمد، (۱۳۹۸)، *شاهد غیبی*، مقدمه و تصحیح فاطمه ملکی، اصفهان: دانشگاه پیام نور.
- ۳- انصاری هروی، خواجه عبدالله، (۱۳۶۲)، *طبقات الصوفیه*، مقابله و تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس.
- ۴- انصاری، قاسم، (۱۳۸۴)، *مبانی عرفان و تصوف*، تهران: طهوری.
- ۵- پادشاه، محمد، (۱۳۳۵)، *فرهنگ آندراج*، تهران: خیام.
- ۶- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۰)، *نفحات الانس من حضرات القدس*، تصحیح محمود عابدی، تهران: سخن.
- ۷- خلیل احمدالجامی، محمد ابراهیم، (۱۳۳۵)، *یک مرد بزرگ، شرح حال و آثار شیخ سعدالدین عارف کابلی انصاری*، افغانستان: کابل.
- ۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، *سبک شناسی نثر*، تهران: میترا، چاپ دهم.
- ۹- صفی پور، عبدالرحیم، (۱۳۷۷)، *منتهی الارب فی لغت العرب*، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
- ۱۰- قشیری عبدالکریم ابن هوازن، (۱۳۶۵)، *رساله قشیریّه*، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۱- لاهیجی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، به تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: زوآر، چاپ دهم.
- ۱۲- مایل هروی، نجیب، (۱۳۶۹)، *نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۳- محمدمنیر عالم، (۱۳۷۶)، *تذکره مشایخ اویسیه*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

- ۱۴- محمود کاشانی، عزالدین، (۱۳۷۴)، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: سخن.
- ۱۵- مدرّسی چهاردهی، نورالدین، (۱۳۶۱)، *سیری در تصوّف و شرح حال مشایخ و اقطاب*، تهران: اشراقی.
- ۱۶- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، (۱۳۳۹)، *کشف الاسرار و عدّه‌الابرار*، تهران: چاپخانه سپهر، چاپ دوم.
- ۱۷- میرزیورالدین، محمدپادشاه صاحب، (۱۱۵۱ ه.ق)، *عین الحقیقه*، نسخه خطی به شماره ۵۶۱۰، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۸- مولوی، جلال‌الدین، (۱۳۷۹)، *مثنوی مولوی*، به تصحیح رینولدالین نیکلسون، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

ب- مقالات

- ۱۹- عباسی، بابک، (۱۳۸۵)، «آموزه حقیقت افلاطون و هایدگر: بحثی انتقادی»، نامه مفید، شماره ۵۳ اردیبهشت، صص: ۲۵-۴۰.
- ۲۰- مسگرزاد، جلیل، (۱۳۶۷)، «تصحیح مثنوی کنز الرموز»، فصل‌نامه معارف، دوره پنجم، شماره اول، فروردین و تیر، صص: ۱۵۴-۱۵۵.
- ۲۱- ملکی، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۹)، «معرفی و بررسی نسخه خطی مثنوی «شاهد غیبی» ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی ۴، سال سیزدهم، شماره هفتم، شماره پیاپی ۵۳، صص: ۱۳۵-۵۸.
- ۲۲- موسوی نسب، سیده‌محمدرضا، (۱۳۹۳)، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۲، صص: ۳۶-۱۹.